

مفهوم‌شناسی تربیت در قرآن کریم

محمدعالم احمدزاده^۱

چکیده

با توجه به گستردگی علوم و نیازهای گوناگون بشر، بیگمان، یکی از این نیازهای اساسی، تربیت در عصر کنونی است.

این نوشتار در پنج بخش تدوین شده است که عبارت‌اند از:

۱. واکاوی مفهوم تربیت در لغت؛
۲. تربیت در آیات؛
۳. تربیت در روایات؛
۴. واژه‌های معادل تربیت در آیات که در بردارنده‌ی مفاهیم ذیل است: رشد، هدایت، اصلاح، تزکیه و...
۵. تربیت در نگاه اندیشمندان.

واژگان کلیدی: تربیت، رشد، هدایت، اصلاح و قرآن

۱. کارشناسی ارشد گرایش تربیت اسلامی.

مقدمه

تربیت، از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه‌ی جدایی‌ناپذیر زندگی، که متن آن می‌باشد و از گهواره تا گور جلوه‌ای از آن است. انسان به دلیل برخورداری از قوه‌ی فکر و توانایی برای تشخیص درست خوبی‌ها و بدی‌ها، نیازمند تربیتی است که بتواند به او در گزینش مسیر درست از نادرست کمک کند تا آینده را در دو سویه‌ی تاریکی یا روشنایی تعیین نماید. در این‌باره نیاز به تربیت دارد. رسالت اصلی انبیا و اولیا :، تعلیم و تربیت بوده است.

بی‌تردید، هیچ دینی به اندازه‌ی اسلام، به تعلیم و تربیت اهمیت نداده است. ارزش و اعتباری که قرآن برای تعلیم و تربیت و خواندن و نوشتن قائل شده، در سیره‌ی پیامبر ﷺ نیز جلوه کرده است تا جایی که ایشان خود را معلم خواندند و فرمودند: «همانا من معلم مبعوث شده‌ام». در قرآن، تزکیه (تربیت) و تعلیم^۲ مهم‌ترین هدف بعثت انبیای الهی، به ویژه حضرت خاتم‌المرسلین ﷺ بیان شده است. از مهم‌ترین کارهای سایر انبیاء و رسولان خداوند هم تعلیم و تربیت مردم بوده است.

در این نوشتار، برای تبیین درست تربیت و واکاوی آن به سراغ قرآن می‌رویم و از روایات معصومان :، که مفسران واقعی کتاب وحی هستند نیز بهره خواهیم گرفت.

مفهوم‌شناسی تربیت

۱. تربیت در لغت

تربیت در زبان و فارسی، به معنای «پروردن، پروراندن یا آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا بالغ شدن» و به معنای «آموزش و پرورش»^۳ هم آمده است. اهل لغت، اغلب تربیت را با توجه به ریشه‌ی «رب، یرب» تعریف کرده‌اند. از نگاه برخی از اهل نظر، رب و تربیت از یک ریشه‌اند و معنای اساسی رب، تربیت است. همچنین کتاب‌های معتبر لغت زیادی در ذیل ریشه‌ی «رَبَّ» و کتاب‌های تفسیر در ذیل سوره‌ی «حمد»، واژه‌ی «رَبَّ العالمین» آورده‌اند که «رَبَّ» با تربیت مرتبط است. علاوه بر این، برخی از کتاب‌های لغوی معتبر

۲. جمعه آیه: ۲، ویز کیهم ویعلمهم الكتاب والحکمة ...

۳. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۴، ص ۵۵۰؛ حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۴۲۵؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۰۶۳.

مانند لسان‌العرب و تاج‌العروس، بعضی مشتقات واژه‌ی «تربیت» مانند «رَبَّ»، «تَرَبَّبَ»، «رَبَّی» و «تَرَبَّی» را به رغم این که از دو ریشه‌ی متفاوت «رب» و «ربو» هستند، در کنار هم بیان کرده‌اند.^۴ با توجه به این که شکل کنونی واژه‌ی «تربیت»، از ریشه‌ی «ربو» و باب تفعیل است که در این ریشه، معنای زیادت و فزونی اخذ شده، در مشتقات مختلف آن، می‌توان این معنا را واکاوی نمود.^۵ قرآن، بدون تردید، آخرین و کامل‌ترین کتاب تربیتی الهی است، ولی با وجود این، مشتقات تربیت از ریشه‌ی «رَبَّ» و «رَب» بیش‌تر از ریشه‌ی «ربو» در قرآن به کار رفته‌اند.^۶

راغب در مفردات آورده است: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ... رَبِّيْتُ الْوَلَدَ مِنْ هَذَا (ربو)، قیل: اصله من المضاعف فقلب تخفیفاً.^۷ از ظاهر بیان کلام راغب فهمیده می‌شود که «تربیت» از ربو مشتق شده است، نه از «رَب»؛ بنابراین، از نظر ایشان «ربو» ریشه‌ی اصلی و اولی واژه‌ی تربیت است. همچنین افرادی دیگر مانند ابن منظور در لسان‌العرب آورده‌است: «تَرَبَّيْتُ وَارْتَبَيْتُهُ وَرَبَّاهُ تَرْبِيَةً عَلِيَّ تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ وَ تَرَبَّاهُ عَلِيَّ تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ أَيْضًا.^۸ علاوه بر آن، زبیدی در تاج‌العروس نقل کرده است: «رَبُّ الْوَلَدِ وَالصَّبِيِّ يَرْبُهُ رَبَّاهُ... كَرَّبَهُ تَرْبِيًا... وَ رَبَّاهُ تَرْبِيَةً عَلِيَّ تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ».^۹ همچنین التحقیق فی کلمات‌القرآن‌الکریم نیز آورده است که وقتی ماده‌ی «ربو» در مورد تربیت انسان به کار رود، مراد رشد و نمو و تربیت بدنی، جسمانی و مادی است، برخلاف «تربیت» از ریشه‌ی اصلی «رَب» که به معنای سوق به سمت کمال معنوی است. تربیت انسان، پیچیده و دارای ابعاد، آثار و لوازم فراوانی می‌باشد.

به نظر می‌رسد معانی متعددی مانند اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی نمودن، تأدیب، چیزی را ایجاد نمودن و به تدریج تکامل بخشیدن و حفظ و مراعات، مالکیت، صاحب، ولایت، سرپرستی، تغذیه، رشد و نمو و متمیم، که برای ریشه‌ی «رَب» و «ربو» نقل شده است، از آثار و لوازم تربیت و سوق به سوی کمال هستند.^{۱۰}

۴. حسین مهدی‌زاده، «کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت و پی‌آمد معنایی آن»، معرفت، ش ۵۹.

۵. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۳۷.

۶. حسین مهدی‌زاده، «کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت»، معرفت، ش ۵۹.

۷. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ماده‌ی «رَب» و «ربو»، تحقیق ندیم مرعشی.

۸. ابن منظور، لسان‌العرب، ماده‌ی «رَب».

۹. محمد مرتضی زبیدی، تاج‌العروس من جواهر القاموس، ماده‌ی «رَب».

۱۰. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، واژه‌ی «رَب» و علی همت بناری، تعامل فقه و تربیت، ص ۵۹.

تربیت از ریشه‌ی رب، یرب در معانی زیر آمده است: تربیت از ماده‌ی رب: حضانت، اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی کردن، سرپرستی، متمیم و تکمیل و چیزی را ایجاد کردن و به تدریج تکامل بخشیدن است، سوق دادن شیء به سوی کمال.^{۱۱}

اگر از ماده‌ی ربو باشد، این‌گونه معنا شده است: زیاد شدن، تغذیه نمودن، رشد و نمو کردن، بالا رفتن. ریشه‌ی دوم بیشتر ناظر به پرورش جسمی و مادی است، ولی اولی ناظر به پرورش سایر ابعاد می‌باشد.^{۱۲}

همچنین پروردن، پرورش دهنده، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام (نه به فرجام رساندن)، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن و به اعتدال بردن، استوار و متین کردن و در نهایت، اگر درباره‌ی انسان به کار رود جامع‌ترین معنایش فرهیختن اوست.^{۱۳}

در زبان انگلیسی، واژه‌ی «education» برای بیان معنای مورد نظر، از تربیت استفاده می‌شود که دارای دو ریشه است؛ این واژه از ریشه‌ی یونانی «educare» به معنای «تغذیه و خوراک دادن» یا از ریشه‌ی «educere» به معنای «بیرون کشیدن و رهنمودن به...» و به اختصار، پروردن است و روی هم رفته، از این کلمه، غذا دادن و پروردن استفاده می‌شود.^{۱۴}

۲. تربیت در آیات:

با مراجعه به آیات قرآن در ذیل، مشتقات واژه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی «ربو» را درباره‌ی انسان، که در دو آیه به کار رفته است، بررسی می‌کنیم:

۱. «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»^{۱۵} و بگو بارپروردگارا، آنها را مشمول رحمت خویش قرار ده، همان‌گونه که در کودکی مرا تربیت کرده‌اند.^{۱۶}

۱۱. علی همت بناری، *تعامل فقه و تربیت*، ص ۵۹.

۱۲. علیرضا اعرافی، *کلیات فقه التربیه*، ج ۱، ص ۱۹.

۱۳. بهروز رفیعی، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۳، ص ۸۹.

۱۴. گاستون میالاره، *معنا و حدود علوم تربیتی*، ترجمه‌ی علی محمد کاران، ص ۱؛ غلامحسین شکوهی، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، ص ۲۱؛ علی همت بناری، *تعامل فقه و تربیت*، ص ۵۹.

۱۵. اسراء: ۲۹.

۱۶. ترجمه‌ی تفسیرالمیزان، ج ۳، ص ۲۰۶.

کلمه‌ی «خفص جناح» (پر و بال گستردن) کنایه است از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی و این معنا از صحنه‌ای گرفته شده است که جوجه بال و پر خود را باز می‌کند تا مهر و محبت مادر را تحریک نموده، او را به فراهم ساختن غذا وادار سازد.^{۱۷}

«وَاخْفِضْ لَهُمَا» و فروگذار برای ایشان»، «جَنَاحَ الذُّلِّ» بال تواضع و فروتنی را»، به این معنا که با ایشان تکبر مکن و ملایمت و رعایت بکن، «مِنَ الرَّحْمَةِ» از روی رقت قلب و فرط بخشش»، «وَقُلْ» و بگو در مقام دعا به ایشان»، «رَبِّ ارْحَمْهُمَا» ای پروردگار من، ترحم کن و ببخش ایشان را»، «كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» مانند آن رحمی که ایشان در وقت تربیت کردن من در حال طفولیت و نادانی با من کرده‌اند.» و بعضی گفته‌اند که: کاف در «كَمَا رَبَّيَانِي» به معنای «علی» است، «ای وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا عَلِي مَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» بگو ای پروردگار من،

رحم کن بر والدین من بر مزد تربیتی که مرا در حالت طفولیت و نادانی کرده‌اند.^{۱۸}

کلمه‌ی «صغیر» در آیه‌ی مزبور، به معنای کوچک در مقابل کلمه‌ی کبیر، به معنای بزرگ است. به قرینه‌ی کلمه‌ی «صغیر» در آیه‌ی شریفه، مراد از «ربّیانی»، بزرگ کردن و رشد و نمو جسمانی فرزند به دست پدر و مادر و قرینه برای آن که تربیت در این آیه، به معنای رشد و نمو جسمی و معادل فارسی آن بزرگ کردن می‌باشد.^{۱۹}

۲. «أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ»^{۲۰} آیا ما تو را در کودکی بزرگ نکردیم، در حالی که چندین سال از عمرت را در بین ما سپری کردی؟»

فرعون زبان به سخن گشود و با جمله‌هایی حساب‌شده و در عین حال شیطنت‌آمیز، برای نفی رسالت آنها کوشید. نخست رو به موسی 7 کرد و چنین گفت: «آیا ما تو را در کودکی در دامان مهر خود پرورش ندادیم؟! تو را از آن امواج خروشان و خشمگین نیل که وجودت را به نابودی تهدید می‌کرد، گرفتیم و دایه‌ها برایت دعوت کردیم و از قانون مجازات مرگ فرزندان بنی‌اسرائیل^{۲۱} معاف نمودیم و در محیطی امن و امان در ناز و نعمت پرورش یافتی و پس

۱۷. ترجمه‌ی تفسیرالمیزان، ج ۱۳، ص ۱۳۴.

۱۸. تفسیر هدایت، ج ۶، ص ۲۱۸.

۱۹. خسرو باقری، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ص ۳۸؛ علی همت بناری، *تعامل فقه و تربیت*، ص ۶۲.

۲۰. شعراء: ۱۸.

۲۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

۲۲. در زمان تولد حضرت موسی 7، فرعون از ترس فرزندان پسر قوم بنی‌اسرائیل، دستور داده بود آنان را بکشند.

از آن نیز سال‌های متممادی از عمرت در میان ما بودی! «قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكَ فِينَا وَلِيداً وَ لَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ». این جمله استفهام انکاری است و توبیخ و سرزنش را می‌رساند و کلمه‌ی «نربک» صیغه‌ی مع‌الغیر از مضارع تربیت است و کلمه‌ی «ولید» به معنای کودک است. مفسران، گفتار فرعون، یعنی جمله «أَلَمْ تُرَبِّكَ» را به دو اعتراض تجزیه و تحلیل کرده‌اند: یکی اینکه او را در کودکی تربیت کرده است.^{۲۳}

روشن است که مقصود فرعون از واژه‌ی «الم نربک»، نمی‌تواند کمال روحی، دینی و اخلاقی حضرت موسی ۷ باشد. حاصل این که کلمه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی ثانوی «ربو» درباره‌ی انسان، به معنای «تربیت بدنی و رشد و نمو جسمانی متربی» است.^{۲۴} در قرآن، علاوه بر واژه‌ی «رب»، برخی دیگر از مشتقات ماده‌ی «رب» مانند «ربیبون» و «ربانیون»، که مرتبط با مباحث تربیتی و در اصطلاح، به معنای مربیان و متربیان می‌باشد نیز به کار رفته است.^{۲۵}

به دلیل آن که دو رکن اساسی تربیت، استاد و شاگرد یا مربی و متربی هستند، برخی آیات مربوط به این دو بیان می‌شود:

۱. «وَكَايِنَ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^{۲۶}

چه بسیار بودند پیامبران آگاه‌کننده که جنگیدند و همپای آنان، مربیان تربیت‌یافته‌ی بسیاری بودند که ایستادند و در برابر مصیبتی که به آنان در راه خدا می‌رسید، نه سست شدند و نه ناتوان گشتند، نه کرنش کردند و نه به زبونی تن دادند و نه خود را باختند...» ارشاد و اشعار آیه برای آگاهی مسلمانان از تاریخ پیامبران و پیروان آنان است؛ همان‌ها که تربیت‌شده و مربی دیگران بودند و برای آگاهی و تربیت مردم و همگامی با پیامبران قیام کردند و تاریخ‌ساز شدند.^{۲۷} «رِبِّيُونَ كَثِيرًا» تربیت‌شدگان مخصوص و زیاد». ^{۲۸} «رِبِّيُونَ» در آیه‌ی مزبور، جمع «رَبِّي»

۲۳. ترجمه‌ی تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۳۶۳ و ۳۶۵.

۲۴. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۳۸ و علی همت بناری، تعامل فقه و تربیت.

۲۵. حسین مهدی‌زاده، «کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت»، معرفت، ش ۵۹.

۲۶. آل عمران: ۱۴۶.

۲۷. پرتوی از قرآن، ج ۵، ص ۳۶۸.

۲۸. تفسیر روشن، ج ۵، ص ۶۱.

است و «رَبِّي» در اصل، از واژه‌ی «رَبَّه» بر وزن «فَعَلَه»، مصدر نوعی است که تاء آن با اضافه شدن یاء نسبت حذف شده است. «رَبِّيُونَ» در اصطلاح تربیتی، به معنای متربیان و شاگردانی است که تحت نوع خاصی از تربیت الهی انبیا : قرار گرفته‌اند.^{۲۹}

۲. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ»^{۳۰}

ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نوری است که انبیا، که تسلیم خدا بودند، برای یهودیان به آن هدایت و نور حکم می‌کردند و نیز ربانیان یا علمایی که از هر چیزی بریدند و در علم و عمل فقط به خدا پیوستند- یا کسانی که تربیت بشر به ایشان و علم ایشان محول شده». البته معنای دوم بنابر این است که کلمه‌ی ربانیون، از رب یا تربیت مشتق شده باشد.^{۳۱} استدلال لطیف امام صادق ۷ درباره‌ی آیه‌ی اخیر پس این ائمه در منزلتی پایین‌تر از انبیا قرار دارند. معنایش این است که از آیه‌ی ترتیب استفاده می‌شود (ترتیب از حیث کمال و فضیلت)، رتبه‌ی اول را انبیا دارند و رتبه‌ی پایین‌تر را ائمه، همچنان که احبار (که همان علما باشند) در رتبه‌ی پایین‌تر از ائمه واقع‌اند و این که فرمود: مردم را به علم خود تربیت می‌کنند، از ظاهرش بر می‌آید که امام ۷ تربیت را از ماده و ریشه‌ی کلمه‌ی «ربانی» که همان تربیت است، گرفته باشند، نه از ربوبیت. بقیه‌ی فقرات روایت در همان جا که خلاصه معنایش را آوردیم، روشن شد.^{۳۲} همچنین بیضاوی^{۳۳} در تفسیر سوره‌ی حمد، تربیت را به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز دانسته است.^{۳۴}

۳. تربیت در روایات

پس از واکاوی قرآنی، اکنون، نگاهی گذرا به کاربرد مشتقات واژه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی «ربو» در ادعیه‌ی معصومان : خواهیم داشت.^{۳۵}

۲۹. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، واژه‌ی «رب» و حسین مهدی‌زاده، «کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت»، معرفت، ش ۵۹.

۳۰. مائده: ۴۴.

۳۱. ترجمه‌ی تفسیرالمیزان، ج ۵، ص ۵۶۱.

۳۲. همان، ج ۵، ص ۹۶.

۳۳. صاحب تفسیر بیضاوی.

۳۴. عبدالله بیضاوی، تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۱۰.

۳۵. حسین مهدی‌زاده، «کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت»، معرفت، ش ۵۹.

۱. «الهی ربیبی فی نعمک و احسانک صغیرا و نوّهت باسمی کبیرا؛^{۳۶}

خدایا، مرا در نعمت‌ها و احسان‌هایت، در هنگام کوچکی و خردسالی، بزرگ و تربیت کردی و در هنگام بزرگی نیز اسم مرا به عظمت یاد نمودی.»

۲. «ربّ لی صغیرهم؛^{۳۷}

[خدایا] فرزندان کوچک را برای من تربیت و بزرگ کن.»

۳. «اللهم انک خلقتنی سوّیا و ربیبی صغیرا؛^{۳۸}

ای خدا، تو مرا به طور متعادل خلق کردی و در زمان خردسالی تربیت و بزرگ نمودی.»

همان گونه که ربانی در آیات آمده بود، در حدیثی از امیرمؤمنان، امام علی 7 به کار رفته

است: «أنا ربّانی هذه الامة؛^{۳۹} من مرتبی این امت [امت اسلام] هستم». چون استاد و مرتبی

در مقایسه با متربی، باید مراتب بالاتری از تربیت برخوردار باشد تا بتواند در او اثر بگذارد،

انتساب به «ربّ» در واژه‌ی «ربّانی»، به دلیل اضافه شدن الف و نون در آن شدیدتر است.^{۴۰}

همان گونه که گفته شد، در ادعیه نیز مشتقات واژه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی «ربب» فراوان

آمده است که به چند نمونه آن اشاره می‌گردد:^{۴۱}

تتمیم مکارم اخلاق و شکوفایی استعدادها، از وظایف انبیا است: پیامبر 9 فرمودند: «إِنَّمَّا بُعِثْتُ

لِأَتِمُّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به درستی من برای تکمیل و تتمیم مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام.»^{۴۲}

اساس و اصول اخلاقی و تربیتی اسلامی، فطری است؛ انبیا غبارها را کنار می‌زنند تا حقایق

تربیتی و اخلاقی (وجدان اخلاقی) بیدار شود و مردم با عقل و خرد خود، خوبی و بدی را

تشخیص دهند: حضرت علی 7 می‌فرمایند: «وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ.»^{۴۳}

در حدیث مشهور به توحید مفضل، تربیت عامل امتیاز انسان از حیوان برشمرده شده است:

«انظُرِ الْآنَ إِلَى ذَوَاتِ الْأَرْبَعِ كَيْفَ تَرَاهَا تَتَّبِعُ أُمَّهَاتَهَا مُسْتَقَلَّةً بِأَنْفُسِهَا لَا تَحْتَاجُ إِلَى الْحَمْلِ وَالرَّبِيَّةِ

۳۶. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

۳۷. صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۲۵.

۳۸. صحیفه‌ی سجادیه، دعای شماره‌ی ۵۰، فقره‌ی اول دعا.

۳۹. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن، واژه‌ی «ربّ».

۴۰. ابن منظور، لسان العرب، ماده‌ی «ربّ»، ج ۵، ص ۳۲۵.

۴۱. علی همت بناری، تعامل فقه و تربیت، ص ۶۵ و ۶۶.

۴۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۷۲ و ج ۶۸، ص ۳۷۳.

۴۳. نهج البلاغه، ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۶۰.

كَمَا حَتَّاجُ أَوْلَادِ الْإِنْسِ فَمِنْ أَجْلِ أَنَّهُ لَيْسَ عِنْدَ أُمَّهَاتِهَا مَا عِنْدَ أُمَّهَاتِ الْبَشَرِ مِنَ الرَّفْقِ وَالْعِلْمِ

بِالزَّبِيَّةِ وَالْقُوَّةِ عَلَيْهَا بِالْأَكْفِ وَالْأَصَابِعِ الْمُهَيَّأَةَ لِذَلِكَ أُعْطِيَتِ النَّهْوُضَ وَالْإِسْتِقْلَالَ بِأَنْفُسِهَا؛^{۴۴}

به بچه‌های چهارپایان نظر کن که چگونه بر خلاف بچه‌های انسان، به طور مستقل و بدون

نیاز به حمل و پرورش مادران، به دنبال آنان حرکت می‌کنند و این استقلال از آن جهت

به آنها داده شده‌است که از آنچه مادران بچه‌های انسان دارند، از قبیل مدارا و آگاهی به

پرورش و توانایی بر آن، محروم هستند...»^{۴۵}

در روایتی آمده است که بخش عمده‌ی پرورش امام علی 7 به دست پیامبر 9 بوده است:

«... وَ كَانَ يَلِي أَكْثَرَ تَرْبِيَّتِهِ وَ يُرَاعِيهِ فِي نَوْمِهِ وَ يَقْظَتِهِ وَ يَحْمِلُهُ عَلَى صَدْرِهِ وَ كَتِفِهِ وَ يَحْبُوهُ بِالطَّافِيهِ وَ

تَحْفُهُ وَ يَقُولُ هَذَا أَخِي وَ صَفِيِّي وَ نَاصِرِي وَ وَصِيِّي؛^{۴۶}

...علی 7 بیشتر در دامن پیامبر 9 پرورش یافت؛ در خواب و بیداری از او محافظت

می‌کرد و او را بر سینه و دوش خود قرار می‌داد و...»

در روایتی از امام صادق 7 نقل شده است که حضرت فاطمه 3 مربی کودکان شیعه

هستند که در دوران شیرخوارگی از دنیا می‌روند: «فإنه حدثني أبي عن سليمان الديلمي عن

أبي بصير عن أبي عبد الله 7 قال إن أطفال شيعتنا من المؤمنين تربّيهم فاطمه 3.»^{۴۷}

ملاحظه می‌شود که در سه روایت اول، تربیت به صیغه‌ی مصدری و در روایت اخیر، به

صیغه‌ی فعلی و از باب تفعیل و در همه‌ی موارد برای کودکان به کار رفته است.

بنابراین، از روایات فوق و نیز موارد دیگر روشن می‌شود که تربیت از ماده‌ی ربو عمدتاً

برای دوره‌ی کودکی به کار رفته و برای بزرگسالی استفاده نشده است و از کاربرد این

ماده، به طور حتم تربیت جسمی اراده شده است. با این حال، نمی‌توان ادعا نمود که این

ماده، منحصر به تربیت و پرورش جسمی است و در سایر ابعاد تربیتی به کار نرفته است؛

زیرا تربیت حضرت علی 7 به دست پیامبر 9 و تربیت فرزندان شیعه به دست حضرت

فاطمه 3، که در روایت اخیر به آن اشاره شد، به تربیت جسمی محدود نمی‌گردد.^{۴۸}

۴۴. بحار الانوار، ج ۳، ص ۹۲.

۴۵. علی همت بناری، تعامل فقه و تربیت، ص ۶۵.

۴۶. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۴۳.

۴۷. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۹.

۴۸. علی همت بناری، تعامل فقه و تربیت، ص ۶۳.

امام علی 7 در دعای شریف کمیل، فراوان واژه‌ی «رب» و مشتقات آن را به کار برده‌اند.^{۴۹} امام سجاد 7 در صحیفه‌ی سجادیه، که مظهر بارز قرآن صاعد و به «اخت‌القرآن» مشهور می‌باشد و معارف تربیتی آن به منزله‌ی معادن تربیت و انسان‌سازی است نیز فراوان واژه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی «ربب» و مشتقات آن را به کار برده‌اند. از شواهد صریح مزبور، آشکار می‌گردد که در ادعیه نیز همانند قرآن، «تربیت» از ریشه‌ی «ربو» به معنای زیادت و افزایش جسمانی و بزرگ کردن مترتبی است.

مشتقات واژه تربیت

«... وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّائِيِّنَ...»^{۵۰}

«... لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّائِيُونَ وَالْأَخْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ...»^{۵۱}

ربانی به دو معنی می‌باشد:

اگر یاء آن برای نسبت باشد، دال بر کثرت است، یعنی کسی که بسیار به خدا توجه دارد؛ همانند لحيانی یعنی کسی که لحيه‌ی زیاد و پر حجم دارد.

اگر یاء در ربانی برای نسبت نباشد، این کلمه معادل واژه‌ی مربی خواهد بود، به معنای تربیت‌کننده.^{۵۲}

«... كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا...»^{۵۳}

ربیون یعنی کسانی که پیوند محکم با خدا داشته باشند و به غیر او مشغول نشوند.

«... وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ...»^{۵۴}

ربائب، جمع ربیبه، به معنای فرزند زن است که در دامن شوهر جدید تربیت شود. این واژه هم مربوط به دوره‌ی کودکی است.

واژه‌های معادل تربیت در آیات

باید در موضوع تعلیم و تربیت ملاحظه نمود که در آیات و روایات چه واژه‌های به کار

۴۹. ر.ک: شیخ‌عباس‌قمی، *مفاتیح‌الجنان*، دعای کمیل.

۵۰. آل‌عمران: ۷۹.

۵۱. مائده: ۶۳.

۵۲. جزوه‌ی درس تعلیم و تربیت دکتر بناری، مؤسسه‌ی آموزش عالی علوم انسانی.

۵۳. مائده: ۱۴۶.

۵۴. نساء: ۲۳.

رفته‌است تا بحث با بررسی آنها تکمیل شود. واژه‌هایی که از آیات قرآن کریم استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از: اصلاح، تهذیب، تزکیه، رشد، هدایت.

رشد

رشد یعنی راهیابی و رسیدن به واقع، در مقابل غیّی که به معنای گمراهی است. این لفظ بارها در قرآن به کار رفته و به معنای نوع خاصی از هدایت است.

«يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»^{۵۵}

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى...»^{۵۶}

هدایت

هدایت در مقابل ضلالت، به معنای نشان دادن راه است. فلسفه‌ی نزول شرایع و ارسال پیامبران از جانب خدای متعال این است که راه رشد، صلاح، فلاح و سعادت از راه غیّی، فساد، بدبختی و دوزخ را به مردم بنمایانند. قرآن کریم بر این نکته تأکید نموده‌است:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^{۵۷}

«إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^{۵۸}

این واژه می‌تواند معادل تربیت باشد، اما در هدایت بیشتر جنبه‌ی راه نشان دادن است و مرتبی باید خودش حرکت کند و راه را بییماید. فعالیت و تأثیرگذاری مستقیم در هدایت وجود ندارد، ولی واژه‌ی تربیت درباره‌ی هدایت عام است.

اصلاح

اصلاح یعنی حرکت از وضع موجود به وضعیت بهتر و مطلوب.

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...»^{۵۹}

اصلاح به بخشی از تربیت اشاره دارد، یعنی بعد معنوی که حرکت به وضعیت برتر و بهتر

۵۵. جن: ۲.

۵۶. بقره: ۲۵۶.

۵۷. انسان: ۳.

۵۸. قصص: ۵۶.

۵۹. انعام: ۱۵۲ و اسراء: ۳۴.

است. اصلاح، ایجاد نیست که مورد اصلاح هیچ چیز نداشته باشد و فساد محض باشد و از صفر شروع شود، بلکه تغییر وضعیت موجود به وضع مطلوب، اصلاح است.

تزکیه

درباره‌ی تزکیه، دو دسته آیات وجود دارد: دسته‌ی نخست آیاتی است که تزکیه‌ی عام را مطرح می‌نماید و تزکیه‌ی مردم را از وظایف انبیای الهی میدانند. این تزکیه، تربیت ندارد، بلکه نوعی تربیت اخلاقی است و بس.

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ...»^{۶۰}
 «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^{۶۱}

دسته‌ی دوم، آیاتی است که در آن تزکیه، یعنی نفس انسانی، بیان شده است. در این نوع تزکیه، تربیت و پاک کردن نفس از آلودگی‌ها مطرح می‌باشد. البته تزکیه پس از بلوغ برای متربی کاربرد دارد، نه پیش از آن. زیرا در تزکیه اراده و خواست فرد و مکلف بودن او مطرح است.

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»^{۶۲} زکات هم از تزکیه و به معنای رشد و نمو است و معنای دیگر آن پاک و تصفیه کردن می‌باشد.

۴. تربیت در نگاه اندیشمندان

تعاریفی که دانشمندان و متفکران از تربیت ارائه کرده‌اند، به گونه‌ای است که به ندرت می‌توان به تعریف واحدی دست یافت. تعریف تربیت در اصطلاح تربیت، همچون سیاست و دین، از مقوله‌های نابهنجاری است که دست‌خوش دخالت همگان و فهم عامه شده است، چه هر کس از توده‌ی مردم تا نخبگان - ناگزیر به گونه‌ای با تربیت سرو کار دارد که هر کس تا مجبور به تعریف تربیت نباشد، گمان می‌کند معنای آن را می‌داند.

اهمیت تربیت و نقش انحصاری آن در تحقق فرهنگ و تمدن و تعالی آنها، بر مریبان بزرگ پوشیده نبوده است، چنان که «غزالی» تربیت را پس از پیامبری، شریف‌ترین کار آدمی خوانده و «کانت» آن را بزرگ‌ترین و دشوارترین مسئله‌ی آدمی دانسته و «افلاطون» بر آن بوده است که عالی‌تر و مقدس‌تر از تربیت، فنی نیست.^{۶۳}

۶۰. بقره: ۱۲۹.

۶۱. بقره: ۱۵۱.

۶۲. شمس: ۹.

۶۳. بهروز رفیعی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۹۰.

الف. تربیت در نگاه اندیشمندان غیرمسلمان

«جان استوارت میل»^{۶۴} تربیت را هر تأثیری می‌داند که آدمی در معرض آن است و تفاوت نمی‌کند آب‌سخور آن شیء، شخص یا جامعه باشد. این تعریف بسیار دامن‌فراخ است و بنابر آن، کمتر چیزی است که عامل تربیت نباشد و از سویی براساس آن روشن نیست هدف تربیت را چگونه می‌توان معلوم داشت. همچنین چنین نیست که تربیت به این معنا الزاماً به سود متربی باشد.

«جان دیوئی»^{۶۵} بر آن است که تربیت، مجموعه فرایندهایی است که از راه آنها، گروه یا جامعه - چه کوچک چه بزرگ - توانایی‌ها و خواسته‌های خود را منتقل می‌کند تا بقا و رشد پیوسته‌ی خویش را تضمین نماید. او نسبت به تربیت رویکردی جامعه‌شناختی دارد. از دید وی، تربیت اجتماعی است و می‌توان آن را بازسازی پیاپی تجربه، برای افزایش گستره و ژرفای محتوای اجتماعی آن دانست. از نگاه دیوئی، تربیت به متربی فرصت می‌دهد روش‌های اختصاصی را فراگیرد.

«ویلیام جیمز»^{۶۶} تربیت را صنعتی ظریف می‌شمارد که انسان را توانا می‌کند تا با بهره‌گیری از اندیشه‌ی خود اشیای خارجی را بنا بر خواسته و نیاز و هدف‌های عملی خویش، فراعنک آورد و در آنها به دلخواه تصرف کند.

پیشنهاد اتحادیه‌ی بین‌المللی پرورش نو^{۶۷} این است که تربیت، فراهم کردن زمینه‌ی رشد، در حد توان و کامل توانایی‌های هر کس به عنوان و نیز عضو جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون است؛ تربیت، از تحول اجتماعی جدا نیست، بل خود یکی از نیروهای تعیین‌کننده آن می‌باشد. «کرشن اشتاینر»^{۶۸} از تربیت، فرایندی را می‌خواهد که در آن، مربی، متربی را به گونه‌ای از زندگی رهنمون می‌شود که با اقتضای فطرت او سازگار افتد و بر ارزش‌های معنوی او استوار شود. از دید «مونتینی»^{۶۹}، تربیت، تنها انباشت معلومات نیست، زیرا این امر کودک را برای زندگی آماده نمی‌کند؛ عنصر گوهرین تربیت، سازندگی است، چنان که برای زندگی مفید و مؤثر بار آید. «هربارت»^{۷۰} تربیت را مقوله‌ای می‌داند که در پی مراقبت از کودک و تعلیم اوست، به گونه‌ای که

64.G. S. Mill

65. John Dewey.

66. William James.

67.Ligue internationale d education nouvelle.

68.Kerschenstiner.

69.Montaiyne.

70.Herbart.

صاحب هنر، مهارت، فضیلت و تقوا شود تا با آموزش‌ها به کمال، که همانا اعتدال و هماهنگی جسم و جان است، دست یابد.

از نگاه «پستالوزی»^{۷۱}، تربیت، رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ همه‌ی استعدادها و نیروهای گوهرین در انسان است.

«فروبل»^{۷۲}، تربیت را رشد نیروها و استعدادهای بالقوه در نهاد آدمی می‌داند.

روسو^{۷۳}، که الهام‌بخش پستالوزیو هربارت و فروبل است، بر آن است که تربیت، هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت و هدایت نیروهای طبیعی و استعدادهای متربی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد. از نظر او تربیت، پرورش متربی در گستره‌ی استعدادهای مادرزادی است.

«کانت»^{۷۴} تربیت را پرورش، تأدیب و تعلیم همراه با فرهنگ می‌داند که در پی کامیابی متربی در جامعه‌ی آینده است؛ جامعه‌ای که به مراتب از جامعه‌ی کنونی برتر می‌باشد.

از نظر «امیل دور کیم»^{۷۵}، تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال در قبال نسل‌هایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی پخته نیستند، انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک، شماری از حالات جسمانی، عقلانی و اخلاقی برانگیزد و پرورش دهد که جامعه‌ی سیاسی بر روی هم و نیز در محیط ویژه‌ای که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود، اقتضا می‌کند.^{۷۶}

«افلاطون» تربیت را عبارت از رساندن جسم و روح به بالاترین پایه‌ی کمال و جمال می‌داند. به نظر «اسپنسر» تربیت، مهیا کردن انسان برای زندگی کامل است. «ژان آموس کمینوس» می‌گوید: «آموزش و پرورش، هنری است که افراد را برای زندگانی آماده می‌کند و هدف این است که فرد دارای دانش، اخلاق و دین شود».^{۷۷}

71. Pestalozzi.
72. Froebel.
73. Rousseau.
74. Kant.
75. Emile Durkheim.
۷۶. امیل دور کیم، *تربیت و جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، ص ۵۵.
۷۷. امان‌الله قرایی مقدم، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ص ۱۴.

«گاستون میالاره»^{۷۸} بر این اعتقاد است که معنای تعلیم و تربیت در چهار معنای زیر استعمال می‌شود که عبارت‌اند از: نهاد آموزش و پرورش، حاصل عمل (نوع تربیت‌یافتگی: تربیت خوب/ یا تربیت بد)، برنامه و محتوا و ارتباط بین مربی و متربی.^{۷۹}

نقطه‌ی اشتراک همه‌ی این کاربردها در این است که ویژگیهای زیر را در تربیت در نظر گرفته‌اند:

الف. انحصار در انسان؛

ب. تأثیر فرد (به ویژه بزرگسال) یا نسل (جامعه) بر فرد یا نسل بعد؛

ج. هدفداری.

ب. تربیت در نگاه اندیشمندان مسلمان

امام محمد غزالی در تعریف تربیت آورده است: «فن تربیت، کنش و گاه کنش و واکنشی است مهرآمیز، بخردانه، با روندی آهسته و پیوسته و بالنده و با دیرندی دست کم از گهواره تا گور، که در آن، کسی که فرهیخته است (مربی) رسالت دارد برای فرهیزش و نیکبختی و روی هم رفته، سود معنوی و مادی کسی دیگر (متربی)، در پی برانگیختن و پروراندن هماهنگ و همه‌سویه‌ی همه‌ی نهادهای خداآفرید او برآید. این فرایند مقدس، حق و نیاز فطری و طبیعی همگان است و اعمال درست آن همراهی با آفرینش آدمی است و در نهایت به سود جمع نیز می‌باشد».^{۸۰}

مقام معظم رهبری > در تبیین تربیت چنین بیان داشته است: «تربیت به معنای رشد و نمو حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را بازمی‌یابد».^{۸۱}

شهید مطهری رحمته‌الله تربیت را پرورش دادن و به فعلیت رساندن معنا می‌کند: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت در آوردن استعدادهای درونی‌ای که در هر شیء وجود دارد. لهذا تربیت فقط درباره‌ی جاندارها صادق است».^{۸۲}

آیت‌الله امینی تربیت را این گونه معنا کرده است: انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور

۷۸. دانشمند تربیتی فرانسوی.
۷۹. گاستون میالاره، *معنا و حدود علوم تربیتی*، ترجمه‌ی علی محمد کاران، ص ۲ و ۳.
۸۰. بهروز رفیعی، ص ۹۸.
۸۱. فردو بانکی پور، *تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری*، ج ۱، ص ۵۲.
۸۲. مرتضی مطهری، *تعلیم و تربیت در اسلام*، ص ۳۳.

هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج، به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند.^{۸۳}
 آیت‌الله اعرافی^{۸۴} نیز در کلیات *فقه‌التربیه* در تعریف تربیت چنین آورده است:
 «تربیت، فرایند کمک و یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره‌ی زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری انسان، به واسطه عامل انسانی دیگر، به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای آدمی یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای آدمی می‌باشد».^{۸۵}

نتیجه‌گیری و خلاصه بحث

۱. واکاوی مفهوم تربیت در لغت؛
۲. تربیت در آیات؛
۳. تربیت در روایات؛
۴. واژه‌های معادل تربیت در آیات، در بردارنده مفاهیم ذیل است:
 رشد، هدایت، اصلاح، تزکیه و...؛
۵. تربیت از نگاه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان نیز بررسی شده که تا حدودی عبارت است از رشد دادن یا فراهم کردن زمینه‌ی رشد یا شکوفایی استعدادها و به رشد رساندن قوای نهفته هر موجود. فعلیت تربیت به انسان اختصاص ندارد و برای هر موجودی که قابلیت رشد داشته باشد، به کار می‌رود و اگر درباره‌ی انسان به کار رود، همه‌ی ابعاد وجودی وی را شامل می‌شود. البته از مجموع این تعاریف به دست می‌آید که تربیت، روش رساندن انسان از حالتی به حالت دیگر و شکوفاسازی استعدادهای آدمی و توانمندی‌های اوست. در واقع، تربیت، هنر و مدیریت انسانی می‌باشد که فرد را برای پذیرش یکسری صفات اخلاقی، دینی و عقلانی آماده می‌سازد. پس در تربیت، مربی مهندس حرفه‌ای است که به تدریج، ساختمان روحی و روانی فرد را براساس نقشه‌ی از پیش طراحی شده می‌سازد.^{۸۶}
 بهترین گواه این مدعا نیز آیاتی می‌باشد که در این تحقیق، در واکاوی مفهوم تربیت مورد استفاده قرار گرفته است.

۸۳. ابراهیم امینی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، آگاه، ص ۱۲.

۸۴. رئیس جامعه‌المصطفی و صاحب‌نظر در حوزه‌ی تربیت.

۸۵. علیرضا اعرافی، *کلیات فقه‌التربیه*، ج ۱، ص ۲۸.

۸۶. ر.ک: محمدعالم احمدزاده، *پدیده‌ی مهاجرت و پی‌آمدهای تربیتی آن*، ص ۸-۱۲.

منابع

۱. قرآن.
۲. *نهج‌البلاغه*.
۳. *مفاتیح‌الجنان*.
۴. *صحیفه‌ی سجادیه*.
۵. آریانپور کاشانی، *منوچهر، فرهنگ جامع پیشرو آریان پور*، ج ۲، تهران، ناشر جهان رایانه، ۱۳۸۲ش.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، بیروت، دارالاحیاء‌التراث‌العربی، ۱۴۱۶ق.
۷. ابن ابی‌الحدید، ابوحامد، *شرح نهج‌البلاغه*، ج ۲۰، قم، کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۸. احمدزاده، محمدعالم؛ «پدیده‌ی مهاجرت و پی‌آمدهای تربیتی آن»، کارشناسی ارشد، جامعه‌المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه، ۱۳۸۶ش.
۹. اصفهانی، راغب، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالسیاسیه، بی تا.
۱۰. الآمدی، عبدالواحد، *عمر‌الحکم*، ترجمه‌ی محمدعلی انصاری، ۱۳۲۷ش.
۱۱. امینی، ابراهیم، *تعلیم و تربیت در اسلام*، آگاه، تهران، بی تا.
۱۲. علیرضا، اعرافی، *کلیات فقه‌التربیه*، ج اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۱۳. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۲ش.
۱۴. بانکی پور، فردو، *تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تهران، انتشارات تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، ج ۱، ۱۳۸۰ش.
۱۵. بحرانی، ابن میثم، *شرح نهج‌البلاغه*، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
۱۶. بناری، علی همت، *تعامل فقه و تربیت*، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۳ش.
۱۷. بیضاوی، عبدالله، *تفسیر البیضاوی*، ج ۱، مؤسسه‌ی علمی، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم، ناشر دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، *صاحح تاج‌اللفه و صحاح‌العریبه*، ج ۲، بی جا، بی تا.
۲۰. حسینی‌زاده، سیدعلی، *سیره‌ی تربیتی پیامبر و اهل بیت*، ج ۴، (با نگرشی بر آموزش و با تأکید بر آموزشهای دینی)، چ دوم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ش.
۲۱. حرانی، شیخ ابومحمدحسن بن علی بن‌الحسین بن‌شعبه‌المدانی، *تحف‌العقول*، تهران، نشر صدوق، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۲۲. حر عاملی، محمدبن‌الحسن، *وسائل‌الشیعه*، قم، مؤسسه‌ی آل‌البتیت لإحیاء التراث.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.

۲۴. دور کیم، امیل، *تربیت و جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.

۲۵. رفیعی، بهروز، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، قم، ناشر پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ش.

۲۶. صدوق، محمدبن علی بن الحسین بن بابویه قمی، *من لایحضره الفقیه*، قم، مؤسسه‌ی انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۳ق.

۲۷. صدوق، محمدبن علی الحسین، *الخصال*، قم، جامعه‌ی مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۲۸. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ چهارم، ۱۳۶۲ش.

۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.

۳۰. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.

۳۱. علاقه‌بند، علی، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات روان، ۱۳۸۵ش.

۳۲. قرایی مقدم، امان الله، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران، کتابخانه‌ی فروردین، ۱۳۷۵ش.

۳۳. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، چ چهارم، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.

۳۴. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، ۸ جلدی، چ اسوه، ۱۴۱۴ق.

۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۳۶. گاستون، میالاره، *معنا و حدود علوم تربیتی*، ترجمه‌ی علی محمد کاران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵ش.

۳۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۳۸. محمدی ری شهری، محمد، *میزان حکمه*، ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، ج ۸، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱ش.

۳۹. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۰ش.

۴۰. مصطفوی، حسن، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.

۴۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مؤسسه‌ی الطباعة والنشر، وزاره الثقافه الاسلامی، ۱۴۱۶ق.

۴۲. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم، انتشارات الزهراء، ۱۳۸۱ش.

۴۳- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.

۴۴. مهدی‌زاده، حسین، «*کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت و پی‌آمد معنایی آن*»، معرفت، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله، شماره ۵۹.

۴۵. نوری الطبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، بیتا.

۴۶. *تفسیر هدایت*، مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.

روش‌های تعلیم توحید در قرآن

لیلا خدام^۱

چکیده

توحید و وصول به توحید، از جمله اهداف بلند قرآنی است که برای دست‌یابی به آن، نیازمند شیوه‌هایی کارآمد هستیم. قرآن کریم، برای این منظور از روش‌هایی استفاده نموده است که شناسایی آنها، راه‌گشای مناسبی برای نیل به توحید - و به عبارتی آموزش توحید - خواهد بود؛ از این رو، نگارنده با این رویکرد به سراغ قرآن کریم رفته و به مطالعه‌ی روش‌های تعلیم توحید در قرآن پرداخته است که به دلیل زیادی مطالب، در این مقاله، تنها به بررسی و بیان ده شیوه از مهم‌ترین شیوه‌هایی که قرآن در تعلیم توحید به کار گرفته، پرداخته شده است که عبارت‌اند از:

روش الگویی، روش پرسش و پاسخ، روش تذکر، روش عبرت‌آموزی، روش قصه‌گویی، روش تکرار، روش مشاهده‌ای، روش مقایسه‌ای و روش تشبیه و تنبیه و روش استدلالی.

واژگان کلیدی: قرآن، توحید، تعلیم، روش.

۱. کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم حدیث، با گرایش کلام و عقاید اسلامی.